خرابات

هرکسی کار خودش آتیش به انبار خودش!

جواد طوسی

● خدا بیامرزد علی حاتمی را که یکی از دو، سه دیالوگ‌نویس شاخص صاحب‌سبک سینمای ایران بود. این کلام مقدماتی یکی از شخصیت‌های فیلم‌هایش، چقدر وصف‌حال این روزهای ماست: آقایان آقایان، «هنگامه‌ی غریبی است».

سال ۵۷ کجا و سال ۹۵ کجا، فکر می‌کنم بعد از ۳۸ سال باید به یک وضعیت تثبیت‌شده رسیده باشیم، اما ما هنوز انگار در شرایط آزمون‌وخطا به‌سر می‌بریم. سیاست و اقتصاد را بی‌خیال می‌شویم، اما چون متن امروزمان به‌خاطر درج آگهی نیم‌صفحه‌ای در صفحه هنر(!) اندک است، خود را محدود به گستره فرهنگ می‌کنیم. شما ببینید در این مدت، در این عرصه چه کرده‌ایم.

تصور بنده این است که فرهنگ و هنر و زیرشاخه‌های آن در ایدئولوژیک‌ترین کشور نیز باید به تعریف مشخص و سرراست و تغییرناپذیری برسند، تا برای همه در چارچوب قانون و عرف جاری لازم‌الاتباع باشد. همین وضعیت موسیقی و حرف‌وحدیث‌های مطرح‌شده در چند ماه اخیر در این حوزه را در نظر بگیرید. مگر سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی که مبتنی‌بر صلاح نظام و شرایط عمومی جامعه و درنظرگرفتن خط قرمزهای ارزشی شکل گرفته، استثنابردار است؟ قاعدتا پذیرش موسیقی (آن‌هم از نوع اصیلش) و محدوده اجرائی و نمایشی آن سیاست واحدی را در سطح کشور می‌طلبد، اما این یک‌بام‌ودوهوابودن در مورد اقدامات و تصمیمات وزیر ارشاد، چه توجیه منطقی و قانونی‌ای دارد؟ مگر وزیر ارشاد خدای‌نکرده دارد بدعت‌گذاری می‌کند یا برعکس حضوری کج‌دارومریز در این حوزه دارد؟ آیا ما می‌توانیم بعضی از مناطق ایران را ایالت‌های خاصی بدانیم که سازوکار و قانون مستقل خودشان را دارند؟! واقعا مقوله موسیقی این‌قدر بغرنج و مفسده‌انگیز و حساس است که آن را به یک معضل اساسی و پیچیده تبدیلش کرده‌ایم یا قضیه چیز دیگری است؟ همین رویه را در مورد محدودیت نمایش بعضی فیلم‌ها، مثل «لانتوری» رضا درمیشیان در سینماهای حوزه می‌بینیم. درواقع، حوزه در دل جغرافیای ایران، یکی از بلاد اسلامی است که با ارشاد و وزیرش کاری ندارد. آنچه را خود صلاح می‌داند و می‌پسندد، اعمال و اجرا می‌کند. شما در کجای دنیا چنین تشکیلات و اراده‌های موازی را سراغ دارید؟ گویا هر دوره‌ای در یک جامعه سیاست‌زده، نیاز به سیل و هدف قراردادن فرد یا افرادی دارد و چه دیواری کوتاه‌تر از عرصه فرهنگ و هنر.

رویداد

پایان ۲۴۰ میلیونی صد اثر صد هنرمند بیست‌وچهارم

● **شرق:** بیست‌وچهارمین صد اثر صد هنرمند با فروش ۸۵ اثر درمجموع به مبلغ ۲۴۰میلیون تومان در گالری گلستان به پایان رسید. لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان، با اعلام خبر فوق از همه مخاطبان که استقبالی شایان توجه از این رویداد تابستانی داشتند تقدیر کرد و این موفقیت را ماحصل حمایت همیشگی مردم از جامعه هنری خواند. گران‌ترین آثار فروخته‌شده در این دوره «صد اثر صد هنرمند» به سیدمحمد احصایی با ۳۰میلیون تومان و مسعود عربشاهی ۲۸میلیون تومان اختصاص یافت. گلستان، فروش خوب جوانان و اقبالی که خریداران به هنرمندان شهرستانی نشان دادند را دو مؤلفه شاخص صد اثر بیست‌وچهارم خواند. در این رویداد فرهنگی - اقتصادی ۲۲۰ نقاشی و مجسمه از ۱۹۵ هنرمند با قیمت‌هایی بسیار متنوع از صد هزار تا ۲۵۰میلیون تومان در معرض تماشا و فروش قرار گرفت. بیست‌وچهارمین صد اثر صد هنرمند، مرداد ۹۵ در گالری گلستان برپا بود.

واکنش کارتونیست‌ها به بهت «عمران»

● جمعی از کارتونیست‌های جهان، طرح‌هایی پیرامون مظلومیت کودکان سوری و بی‌تفاوتی سازمان ملل نسبت به این اتفاق‌ها ارائه داده‌اند. در پی رسانه‌ای‌شدن تصویر «عمران داکنیش»، کودک پنج‌ساله سوری که از زیر آوار در شهر حلب بیرون آورده شد، جمعی از کارتونیست‌ها طرح‌هایی پیرامون مظلومیت کودکان به‌عنوان قربانیان جنگ، ارائه دادند. این هنرمندان با نگاهی انسان‌دوستانه به عمق فاجعه جنگ در سوریه، ویرانی و بی‌تفاوتی سازمان ملل، نسبت به این اتفاق‌ها واکنش نشان دادند. این آثار به دعوت جشنواره هنر مقاومت طراحی شده است. «اوگوژان کایان» از ترکیه، «عماد حجاج» از اردن، «محمود هیداوی» از اردن، «حمید قالیجاری» از ایران و «ویلیام ریزینگ» از هلند از جمله هنرمندانی هستند که با کشیدن کاریکاتور به این ضایعه واکنش نشان داده‌اند.

حسین علیزاده در تولد ۶۵سالگی‌اش:

این همه زیبایی را یک‌جا ندیده بودم

عسل عباسیان: هم‌زمان با شصت‌وپنجمین سالروز تولد حسین علیزاده نوازنده و آهنگ‌ساز پیشگام موسیقی ایرانی تعدادی از هنرمندان حوزه‌های مختلف شنبه ۳۰ مردادماه در پرفورمنسی در تالار حافظ او را غافلگیر کردند. در این پرفورمنس ابتدا آتیلا پسیانی، بهناز جعفری، پانته‌آ پناهی‌ها و صابر ابر درحالی‌که پشت سرشان روی پرده بزرگی ویدئویی از محله دوران کودکی، بازار، امامزاده زید، دبستان حافظ، هنرستان موسیقی، دانشگاه تهران، مرکز حفظ و اشاعه موسیقی پخش می‌شد، متنی را براساس زندگی حسین علیزاده به نویسندگی و کارگردانی پیمان قدیمی اجرا کردند. در طول خوانش متن نیز اشاره‌هایی به آثار و زندگی این هنرمند می‌شد. حسین علیزاده که در تمام مدت اجرا بی‌خبر از این بود که به پرفورمنسی دعوت شده که بناست تولد او را جشن بگیرند، وقتی همه جمعیت از روی صندلی‌هایشان روی صحنه آمدند و بخشی از نامه تاریخی او را که چند سال پیش در رد نشان شوالیه نوشته بود، با بداهه‌نوازی کمانچه توسط صبا علیزاده خواندند، او که یکه و تنها در جایگاه تماشاگران نشسته بود، اشک از چشمانش جاری شد و تصویر خود را روی پرده پشت سر می‌دید درحالی که دوستانش، روبه‌رویش روی صحنه ایستاده بودند و او را تشویق می‌کردند. پس از تشویق چنددقیقه‌ای میهمانان، حسین علیزاده پشت میکروفن آمد و گفت: «چیزی ندارم بگویم، از اول که نشستم، دیدم همه‌چیز آشناست. امشب حالم طوری شده که دلم می‌خواهد ۱۲۰ سال دیگر عمر کنم. این مهر و عشق شما به من تعهد می‌دهد که کار کنم. با وجود شما خیلی خوشبختم. هیچ‌وقت در زندگی‌ام این همه زیبایی را یک جا ندیده بودم. هرکس را که نگاه می‌کنم، هرچهره‌ای را که می‌بینم، همه همان‌هایی هستند که همیشه در قلبم بودند. کاش باز هم بتوانم کارهایی کنم که شما درباره‌اش حرف بزنید».

سپس استاد حسین علیزاده روی سن آمد و با سازی که علی بوستان آورده بود، برای حاضران، بداهه نواخت. در پرفورمنس تولد حسین علیزاده با عنوان «شب میراثِ زمین» هنرمندان و چهره‌هایی مانند محمود دولت‌آبادی، علی دهباشی، فردین خلعتبری، بهرام دبیری، سیامک آقایی، پوریا اخواص، هومان اسعدی، سیاوش برهانی، تینوش بهرامی، نگار بوبان، علی ترابی، مانی جعفرزاده، علی جعفری‌پویان، احمد پوری، نگار خارکن، محمد رحمانی، حبیب رضایی، مریم صادقیان، جهانشاه صارمی، شهرام صارمی، رامین صدیقی، حمیده صمدی، پوریا عالمی، بهزاد عبدی، رضا عسگرزاده، آرش فرهنگفر، مریم قره‌سو، اردشیر کامکار، بیژن کامکار، قشنگ کامکار، هانا کامکار، مریم گرماوندی، سحر محمدی، آیین مشکاتیان، آوا مشکاتیان، وید ملکی، نیما نادری، ملیحه مرادی، اشا صدر اشکوری، رامین اعتمادی‌بزرگ، افسانه حق‌شعار، سحر بیانی، صدرا بهشتی، فرهاد مهندس‌پور و... حضور داشتند. این رویداد به همت و کوشش صبا علیزاده، علی بوستان، پیمان قدیمی، نیوشا مزیدآبادی، محمدحسین توتونچیان، رضا دادویی، رضا فرهادی، نوید ملکی‌یگانه و دیگر دوستداران این استاد موسیقی برگزار شد و نهایتا غافلگیری و تأثر استاد بی‌بدیل موسیقی رخ داد، که همواره با نوای سازش مردمان ایران‌زمین را متأثر کرده، در حضور دوستان دوستدارانش که متأثر از تأثر او شده بودند.

جشنواره تئاتر عروسکی به روایت مرضیه برومند

آسمان آبی عروسک‌ها

مرضیه برومند، از چهره‌های شاخص تئاتر عروسکی، دبیر شانزدهمین دوره جشنواره‌ای با همین محوریت است؛ جشنواره‌ای که «تهران- مبارک» نام دارد و بناست با حضور عروسک‌های غول‌پیکر، امروز عصر در یک کارناوال در تئاتر شهر افتتاح شود. با مرضیه برومند، درباره برنامه‌های این جشنواره گفت‌وگوی کوتاهی کردیم.

شانزدهمین دوره جشنواره تئاتر عروسکی به دبیری شما با شعار «آسمان عروسک‌ها آبی است» از اول شهریور آغاز به کار می‌کند. این جشنواره در پی چیست؟

جشنواره تئاتر عروسکی موقعیتی برای افراد علاقه‌مند و دست‌اندرکاران این ژانر نمایشی است تا تجربه کنند و تجربه‌شان را در معرض دید عموم بگذارند و درعین‌حال کارهای دیگر هنرمندان این حوزه را تماشا کنند. جشنواره ما رقابتی نیست، اما امسال تصمیم داریم اگر دستاورد خاصی در هر زمینه‌ای دیدیم، از آن تقدیر کنیم. این دستاورد خاص می‌تواند یک عروسک ویژه، یک نمایش‌نامه خوب، یک دکور قابل‌توجه یا یک ایده نو و خلاقانه باشد.

تغییر و تحولات این دوره در مقایسه با دوره‌های پیش جشنواره چه بوده؟

این دومین‌بار است که من دبیر این جشنواره‌ام و خب حتما من تغییراتی کرده‌ام و بیشتر با فضا آشنا شده‌ام و طبیعتا این تغییرات من، روی جشنواره هم اثر گذاشته. درضمن این‌بار زمان بیشتری داشتیم و توانستیم برنامه‌ریزی بهتری هم داشته باشیم. گروه‌ها هم وقت بیشتری برای برنامه‌ریزی و تمرین داشتند و این تمرین بیشتر در نتیجه کار کاملا مشهود است و کارها به نسبت دوره گذشته از کیفیت بالایی برخوردارند. بنابراین تغییر کیفی در این دوره مشهود است.

باتوجه به اینکه مدیریت سالن‌ها از اجراهای عروسکی کمتر استقبال می‌کنند و معمولا به آنها فرصت اجرای عمومی نمی‌دهند، آیا این جشنواره اسباب اجرای عمومی نمایش‌های پذیرفته‌شده را نیز فراهم می‌کند؟

استقبال سالن‌ها از اجراهای عروسکی کم نیست. تئاتر شهر قبلا چنین محدودیتی گذاشته بود که به کار عروسکی اجرا ندهد. شاید چون کار عروسکی را مترادف با کار کودک دیده بودند، برای آن‌جایی در نظر نداشتند. اگرچه نمایش عروسکی کودک هم می‌تواند در تئاتر شهر جا داشته باشد. منتها قبلا محدودیتی سلیقه‌ای اعمال شده بود که با توجه به مدیریت آقای پیمان شریعتی در تئاتر شهر، به نظرم این محدودیت نیز کلا از بین می‌رود. همه تئاترها حق دارند در سالن‌ها، باعدالت به رقابت با یکدیگر بپردازند. مسلما اگر نمایش‌های عروسکی از کیفیتی برخوردار باشند که تماشاگر را به خود جذب کنند، بی‌شک مسئولان سالن از این اجراها استقبال هم می‌کنند. اگرچه من معتقدم تئاتر، تئاتر است و به خط‌کشی عروسکی و غیرعروسکی قائل نیستم. تئاتر صرف‌نظر از اینکه برای اینکه حرفش را بهتر و درست‌تر بزند و تأثیر بگذارد، از چه مدیوم و ابزاری استفاده می‌کند، تئاتر است. اصلا مهم نیست یک کارگردان از چه وسیله‌ای برای اجرایش استفاده می‌کند، مهم توانایی او برای تأثیرگذاری با نمایش است. البته من معتقدم با استفاده از عروسک مفاهیم، بهتر منتقل می‌شوند و تئاتر غنی‌تری به دست می‌آید.

فکر می‌کنید به چه علت معمولا اجراهای عروسکی کم‌طرفدارند؟ در طول سال گروه‌های کمی را می‌بینیم که اجراهای عروسکی آماده کنند و به صحنه ببرند... .

پروداکشن نمایش عروسکی گران است و البته پردردسر. اگرچه همیشه کارهای عروسکی خوب و مطرح توانسته‌اند اجرای عمومی داشته باشند و از استقبال خوبی هم برخوردار بوده‌اند. اجرای عروسکی، کار تخصصی‌تری است و طبیعی است که تعدد آن کمتر باشد. سالن‌گرفتن در ایران و تهران برای همه گروه‌ها کار سخت و دشواری است و این دشواری مختص کارهای عروسکی نیست. همه تئاترها دچار همین معضلند. با همه این ماجراها، ما سال گذشته توانستیم برای دو اجرای جشنواره، اجرای عمومی در فرهنگ‌سرای نیاوران بگیریم که البته گروه‌ها در فرهنگ‌سرا بسیار اذیت شدند.

آیا در چنین شرایطی تئاتر عروسکی سالنی مجزا نیاز ندارد؟

مسلما جایی باید باشد که گروه‌ها بتوانند در آن تجربه کنند. هر گروهی اگر سالن اختصاصی در اختیار داشته باشد حتما کار بیشتری تولید می‌کند. منتها الان شرایط برای همه یکسان است و آن گروهی که نمی‌تواند بیننده را جلب کند آسیب می‌بیند. دست‌اندرکاران تئاتر عروسکی اگر در نظر داشته باشند که با مخاطب معنا پیدا می‌کنند، مطمئنا طوری کار می‌کنند که اجرایشان مخاطب پیدا می‌کند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

به همت کمپانی نمایشی باران

تبادل تئاتر ایران و ایتالیا

● **شرق:** نمایش سه‌بُعدی «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» از سوی یک گروه ایتالیایی در ایران اجرا می‌شود. کیومرث مرادی که یکشنبه، ۳۱ مرداد در نشستی به‌عنوان مدیر بخش آموزش و بین‌الملل کمپانی تئاتر «باران» از سوی مدیران سالن باران - خیام وقارکاشانی و فهیمه امن‌زاده- معرفی شد، درباره چگونگی اجرای این نمایش توضیح داد: «تلاش من در سال‌های گذشته این بوده که برای نسل میانه خودم از تجربیاتی که کسب می‌کنم چیزی بیاورم و نگاه «توریستی» آموزش و رفتن به جایی، به بهانه تئاتر را تغییر دهم». او با اشاره به کارگاه آموزشی‌ای که مدتی قبل به‌همراه جمعی از هنرجویان تئاتر باران به کشور ایتالیا انجام شد، ادامه داد: «کمپانی‌ای که در ایتالیا با آنها همکاری داشتیم، ۴۰ سال قدمت دارد و اعضای آن سال‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند و تئاتر را برای این نمی‌خواهند که سوپراستار شوند و به سینما بروند. تصور من این بود که چنین الگویی می‌تواند برای تئاتر باران قابل‌اجرا باشد و به‌این‌ترتیب یک همکاری مشترک میان تئاتر خصوصی «باران» با کمپانی تئاتر «پوتلج» ایجاد کند». در این نشست همچنین ستاره اسکندری به‌عنوان یکی از مدیران جدید تئاتر باران که تهیه‌کنندگی آثار دانشجویی تئاتر باران را نیز برعهده خواهد داشت، معرفی شد. این بازیگر که در کارنامه تئاتری خود سابقه همکاری با بزرگانی همچون بهرام بیضایی و علی رفیقی را دارد، در سخنانی با اشاره به زمانی که مسئولان گاه بی‌دلیل یا بادلیل به خود اجازه ورود به اجراهای تئاتری و جلوگیری از اجرای نمایش‌هایی را می‌دادند که مدت‌ها تمرین و حتی متن آنها تأیید شده بود، ادامه داد: «یادم می‌آید که یک زمانی بعد از این اتفاقات، نامه خداحافظی از تئاتر نوشتم، اما از آنجا که به قول استاد سمندریان، تئاتر خانه ماست، پس از سال‌ها در جشنواره فجر سال ۹۱ نمایشی را به‌همراه حسین پاکدل روی صحنه بردیم که به‌خاطر یک مدیریت سلیقه‌ای به آن اجرای عمومی داده نشد. به‌همین‌دلیل در آن مقطع تصمیم گرفتم این‌بار به‌جای عقب‌نشینی، به‌عنوان یک فرد ورود پیدا کنم و تهیه‌کنندگی نمایش «۳۳ درصد» را به کارگردانی افسانه ماهیان برعهده گرفتم، چون فکر می‌کردم کسانی که در این حوزه هستند باید به گذاشتن ستون‌های خانه پدری کمک کنند. امروز کاری که بناست در باران بکنیم، در راستای همین وظیفه است».

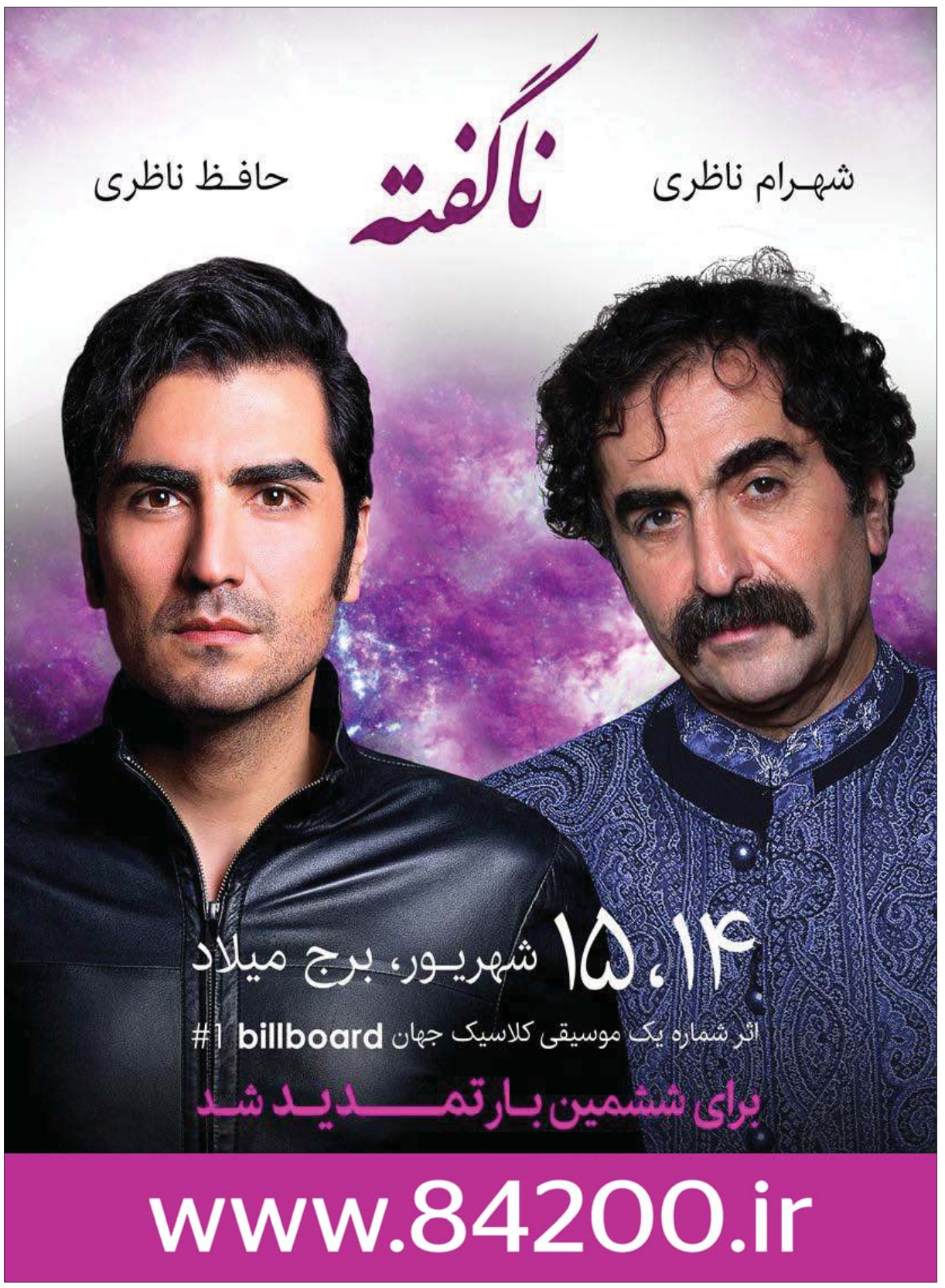

خانه موسیقی به لغو کنسرت‌ها واکنش نشان داد

نامه‌نگاری با رهبر معظم انقلاب درباره بحث کنسرت‌ها

شرق: حمایت چند نفر دیگر از ائمه جمعه از علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد، در راستای ممانعت از برگزاری کنسرت، این ماجرا را به کلافی کور شبیه کرده و منجر به واکنش اهالی موسیقی و حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی، شده است. نوربخش عصر ۳۰ مرداد در نشست ماهانه خانه موسیقی درباره لغو کنسرت‌ها در خراسان گفت: «موسیقی‌دانان بزرگی در خطه خراسان داریم و داشتیم. مگر می‌شود برای این خطه این‌طور تعیین‌تکلیف کرد؟ انتظار داریم وزیر محترم ارشاد و شخص آقای رئیس‌جمهور هم پای این قضیه بایستند. تا الان هم مواضع خوبی داشته‌اند و امیدوارم در مورد شهر مشهد هم همان اصرار صورت بگیرد. زیرا به نظر من وجهی ندارد که بگوییم از مشهد می‌گذریم و در شهرهای دیگر باید موسیقی باشد». مدیرعامل خانه موسیقی همچنین تاکید کرد: «امیدواریم این مشکلات از سر راه جامعه فرهنگی کنار بروند البته ما داریم در خانه موسیقی پیگیری می‌کنیم. در نامه‌ای به مقام معظم رهبری به‌عنوان عالی‌ترین مقام کشور درخواستمان را مطرح کردیم، برای اینکه الان متأسفانه این مسئله درواقع دعوایی بین قوا شده و طبیعی است که رهبر معظم به دلیل اینکه فرمایششان فصل‌الخطاب است باید به این مسئله رسیدگی کنند و امیدوارم این مسئله ختم به خیر شود و دیگر شاهد این مسائل تلخ نباشیم». این در حالی است که فرزاد طالبی، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشاد، از پاسخ به این پرسش «شرق» که با توجه به اظهارنظر ائمه شش شهر دیگر در راستای ممانعت از برگزاری کنسرت، موضع وزارت ارشاد چیست، سر باز زد. اما حسام‌الدین سراج، خواننده که خود تجربه لغو کنسرت را در سال‌های فعالیتش داشته، در این‌باره گفت: «بر آستانه میخانه گر سری بینی/ مزن به پای که معلوم نیست نیت او». قضاوت درباره آدم‌ها و نیتشان مذموم است چون بسیاری افراد هستند که در پیشگاه خداوند مقام بالایی دارند، ولی دیگران مطلع نیستند. برای اطلاع، برخی موسیقی‌دانان قدیم و جدید در زمینه موسیقی مقامی و سنتی با وضو ساز به دست می‌گرفتند. متأسفانه در زمینه موسیقی، اجماعی بین علمای دینی وجود ندارد. بعضی فقها آن را حلال می‌دانند و بعضی حرام. بحثی که اخیرا حول موضوع جلوگیری از برگزاری کنسرت‌ها در گرفته، چند سؤال را برایم ایجاد می‌کند.؛ یکی اینکه آیا در کشور ما متولیان فرهنگ و هنر ائمه جمعه هستند؟ یا وزارت ارشاد؟ این سؤال مهمی است و سؤال بعدی این است که از بدو انقلاب تاکنون، نشان‌ندادن ساز در صداوسیما و طرد موزیسین‌ها به انحا مختلف چه ماحصلی داشته؟ با این عمل، به پیشرفت فرهنگی رسیدیم یا فضایی مغشوش در فرهنگ و هنر کشور ایجاد کردیم؟

آیا آقایان اساسا رادیو تلویزیون گوش می‌کنند؟! آیا این ترانه‌هایی که پخش می‌شود مورد تأییدشان است؟ این قطعات حلالند و فقط کنسرتی که در آن فرهنگ ایرانی و شعر حافظ و مولانا رواج داده شود، حرام است؟! اگر یک‌بار مشکل موسیقی را حل کنند بهتر از آن است که دائما آن را دفع کنند. در این سال‌ها موسیقی بیشتر برای مناسبت‌ها استفاده شده و درواقع به سود مناسبات مصادره شده است و کسانی هم که می‌خواهند از موسیقی استفاده خاص کنند همین راه را در پیش می‌گیرند و برای تأیید اثر خود پوششی برای آن درست می‌کنند. به‌هرحال اگر موسیقی جزء نیازهای فرهنگی ماست و قاعدتا با اشعار بزرگان عرفان مشرق‌زمین مثل مولانا، سعدی، حافظ، بیدل و صائب درمی‌آمیزد، بی‌شک مورد تأیید دینی که ما می‌شناسیم هم هست. موسیقی حقیقی و متعالی در راستای آموزه‌ها و معرفت اسلام است و بهتر این است که با نگرش معرفتی با آن مواجه شوند. اغتشاش امروز فضای موسیقی حاصل قضاوت‌های سوء سال‌های پیشین است». درحالی‌که وزیر ارشاد نیز در روزهای گذشته از حرف‌های امام‌جمعه مشهد تبعیت کرده، روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله دیروز خود با تیتر «دولت رودربایستی» به نقد او پرداخت: «خبر عقب‌نشینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در برابر خواست امام‌جمعه مشهد در مورد برگزارنشدن کنسرت در این شهر با اینکه هفته گذشته در رسانه‌ها منتشر شد، هنوز در قالب اظهارنظر، اعتراض و درخواست‌های جدید ادامه دارد. این گستردگی بازتاب‌ها و واکنش‌ها به معنی اهمیت موضوع نیست بلکه به این دلیل است که همه احساس می‌کنند در ضوابط مدیریتی کشور جابه‌جایی‌هایی صورت گرفته و اداره امور به‌جای آنکه براساس معیارهای شرعی و قانونی صورت بگیرد، تابع سلایق و تعارفات شده است؛ وضعیتی که اگر ادامه یابد، کشور را از مدار ضابطه‌مندی خارج می‌کند و به نوعی هرج‌ومرج می‌کشاند». از سوی دیگر محسن غرویان، از استادان حوزه علمیه، در مورد لغو کنسرت در شهر مشهد گفت: «این سخنان مبنای فقهی ندارد. نمی‌شود گفت دودوتا در مشهد می‌شود چهارتا، در شیراز می‌شود پنج‌تا. اگر کنسرت و موسیقی از نظر شرعی و فقهی مجاز است، در هر شهری حلال است. حلال و حرام خدا که استانی نیست». بااین‌اوصاف باید منتظر ماند و دید نهایتا کلاف سردرگم ممانعت از برگزاری کنسرت‌ها به دست نهادی باز می‌شود یا این قفل نیز همچنان بی‌کلید خواهد ماند؟